

گنجینه جیحون

The Oxus Treasure

نویسنده: جان کرتیس*

مترجم: دکتر نادر میرسعیدی

مدرس گروه تاریخ - واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد اسلامی

چکیده

نوشته حاضر گزارشی تحلیلی است از مجموعه‌ای از سکه‌ها و اشیاء که به‌اعتبار محل کشف آنها به «گنجینه جیحون» نام‌گذاری شده است. این اشیاء اگرچه خاستگاه‌های قومی - زمانی متفاوت از جمله: آشوری، مادی، هخامنشی و یونانی دارند؛ اما به‌لحاظ سبک‌شناسی هنری وجه غالب آن، سبک هنر درباری هخامنشی است. گنجینه جیحون از زمان کشف (۱۸۷۷م) در سواحل جیحون تا استقرار بخش اعظم آن در موزه بریتانیا و بخش اندک در موزه ارمیتاژ سن‌پترزبورگ نشیب و فرازی داشته است که تاریخچه آن در پی می‌آید.

واژگان کلیدی

گنجینه جیحون - فلزگری - باستان‌شناختی - آشوری - مادی - هخامنشی - یونانی.

* John Curtis Ancient Persia, British Museum, Publications, 1989, pp. 50-58.

مجموعه‌اشیاء طلایی و نقره‌ای و سکه‌ها موسوم به گنجینه جیحون، مهم‌ترین ذخیره فلزگری دوره هخامنشی است که تاکنون کشف شده است. این مجموعه ظاهراً در ۱۸۷۷م. در سواحل رود جیحون (آمو دریا)، رود بزرگی که از پامیر تا دریای آرال جریان دارد و شعبات علیای آن کشور کنونی افغانستان را از اتحاد شوروی سابق جدا می‌سازد، یافت گردید.

گنجینه تقریباً سه سال بعد مفقود شد و فقط به‌طور اتفاقی در شرایطی فوق‌العاده و حتی عجیب، مجدداً یافت شد. بنا به گفته ا. م. دالتون که راهنمای ۱۹۰۵م. او درباره گنجینه جیحون، نوشته منتشر شده اصلی باقی مانده است، در مه ۱۸۸۰م. راهنمان سه بازرگان اهل بخارا را هنگامی که با گنجینه در حال سفر از کابل به پشاور بودند اسیر کردند. اما خدمتکار آنها توانست فرار کند و خبر را به اردوی سروان ف. س. برتون، یک مأمور سیاسی انگلیس در افغانستان برساند. برتون با دو نگهبان به راه افتاد و اندکی پیش از نیمه شب در یک غار با دزدان روبه‌رو شد، آنها مشغول تقسیم غارت خود بودند و قبلاً بر سر آن نزاع کرده بودند؛ چهار تن از آنها به صورت مجروح افتاده بودند. اطلاع یافته‌ایم که «پس از آن مذاکره‌ای صورت گرفت» که در نتیجه آن، مقدار زیادی از گنجینه به برتون تسلیم شد. روز بعد او تهدید کرد که نیرویی را بر ضد راهنمان هدایت خواهد کرد و این تهدید، آنها را وادار کرد که بخش بزرگ دیگر گنجینه را تحویل دهند. به این طریق حدود سه چهارم گنجینه به بازرگانان باز پس داده شد و آنها به‌عنوان نشانه‌ای از حق‌شناسی خود، به برتون اجازه دادند تا بازوبند طلای بزرگی را که بعداً موزه ویکتوریا و آلبرت آن را به دست آورد، بخرد.

بازرگانان به سفر خود به پشاور ادامه دادند و سرانجام گنجینه را در راولپندی به فروش رساندند. گنجینه در آنجا به تدریج توسط سرلشکر سر الکساندر کانینگهام سرپرست کل بررسی باستان‌شناختی هند، از دلالتان به دست آمد. کانینگهام به نوبه خود، قطعات را به سر اگوستوس ولاستون فرانکز فروخت و او در ۱۸۹۷م. درگذشت و آنها را برای موزه بریتانیا به‌ارث گذاشت.

گونه‌ای سردرگمی در مورد منشأ گنجینه جیحون وجود دارد. کانینگهام که چند مقاله درباره گنجینه نوشت، در قدیمی‌ترین گزارش‌های خود گفته است که گنجینه نزدیک تخت کواد، یکمحل عبور کشتی در کرانه شمالی رود جیحون مقابل خلم (اکنون تاش‌کورغان) در فاصله

دو روز از قندوز، یافت شده بود. قطعات در اطراف در شن‌های رودخانه پراکنده بود. با وجود این او در آخرین مقاله‌ای که نوشت ترجیح داد که منشأ گنجینه را قبادیان (اکنون موسوم به میکویان‌آباد یا ناصرخسرو)، روستای بزرگی در فاصله کمتر از ۵۰ کیلومتری شمال رود جیحون، در کرانه شاخه آن، رود کافرنگان، در نظر بگیرد. اگرچه محتمل‌تر به نظر می‌رسد که گنجینه در حقیقت در کرانه‌های رود جیحون یافت گردید، و دانشمند اهل شوروی ا. و. زیمال گزارش‌های روسی آن زمان را مورد استناد قرار داده است که به نظر می‌رسد که تخت کواد را به‌عنوان محل یافت شدن گنجینه مورد تأیید قرار داده‌اند. بنابه گفته زیمال، خرابه‌های آنجا یک کیلومتر مربع را اشغال کرده‌اند که حدود یک چهارم آن را رودخانه شسته و از میان برده است. تخت کواد در حقیقت یکی از دو قلعه واقع در کرانه راست رود جیحون است که از معبر کشتی‌ها حفاظت می‌کرد؛ قلعه دیگر تخت سنگان است که در آنجا یک هیأت اعزامی شوروی یک معبد با انبارهای راهرویی پر از اشیاء گرانبها در پیرامون را یافت. بیشتر این اشیاء مربوط به دوره هلنی می‌باشند، اما چند شیء از قبیل یک نیام عاج به‌زیبایی تزیین شده برای یک اکیناکس یا شمشیر کوتاه، از دوره هخامنشی‌اند. تخت کواد هر چند دور از تخت جمشید بود، همچنان در داخل شاهنشاهی هخامنشی قرار داشت. در شمال رود جیحون والی‌نشین سغد قرار داشت، در حالی که باختر در سمت جنوب بود.

روی هم رفته ۱۷۰ شیء مربوط به گنجینه جیحون می‌باشند که اکثریت بزرگ آن‌ها از طلا یا نقره و غالباً مربوط به قرون پنجم و چهارم ق. م می‌باشند. فقط چند شیء وجود دارد که ممکن است یا قدیمی‌تر و یا از قرن سوم ق. م یا متأخرتر باشند. این که تا چه حد این گنجینه یک یافته واحد مجزا است، نظر به شیوه کشف آن، باید همیشه یک موضوع تحقیق باقی بماند. با فقدان هرگونه گزارش دست اول، هرگز نمی‌توانیم مطمئن باشیم که همه قطعات همراه یکدیگر در یک نقطه واحد یافت شدند. امکان دارد که قطعاتی نیز در طول سفر از تخت کواد به‌راولپندی اضافه شده باشند، یا به احتمال بیشتر، ممکن است که دلالات در راولپندی گنجینه را با قطعاتی از نقاط دیگر تکمیل کرده باشند. حتی مدارکی وجود دارد مبنی بر این که در راولپندی بعضی قطعات جعلی، مربوط به گنجینه قلمداد شدند، اما تاجایی که می‌دانیم همه قطعاتی که اکنون در موزه بریتانیا قرار دارند، قابل اعتمادند. هر چند با وجود این قیدها،

گنجینه جیحون دارای ظاهر یک دسته متجانس است و کاملاً ممکن است در شرایط شرح داده شده یافت، شده باشد.

یکی از قدیمی‌ترین و نیز یکی از باشکوه‌ترین قطعات در گنجینه، یک نیام طلا برای یک شمشیر کوتاه است. طلای نازکی که در ابتدا روی ماده دیگری همچون چوب یا چرم بود، با صحنه‌های نشان دهنده یک شکار شیر، برجسته شده است. این صحنه‌های شکار، یادآور نقش برجسته‌های آشوری از دوران آشور بنی‌پال (۶۶۸ - ۶۲۷ ق.م) می‌باشند و سوارکاران اگرچه شلواری به سبک ایرانی پوشیده‌اند، اما دارای کلاه‌هایی هستند که بی شباهت به کلاه‌های شاهان آشوری نیستند. این مشابهت‌ها با آشور، دلالت بر زمانی نسبتاً کهن برای نیام می‌کند.

اشیاء با شکوه بسیاری در گنجینه جیحون وجود دارند، اما در زمره معروف‌ترین آن‌ها یک جفت بازوبند طلا با انتهای به شکل شیردال‌های شاخدار می‌باشند که در ابتدا شیشه و سنگ‌های رنگین در آن‌ها نشانده شده بود. همچنین شماری دستبند دیگر با سر حیوانات از طلا و از طلا و نقره در گنجینه قرار دارند.

ولی بزرگ‌ترین جزء معجزای گنجینه، دسته‌ای از تقریباً پنجاه صفحه طلای نازک به ترتیب اندازه از کمتر از ۳ سانتی‌متر تا تقریباً ۲۰ سانتی‌متر است. آن‌ها دارای طرح‌هایی قلم زده شده از شکل‌های انسانی هستند و برخی بسیار بی‌ظرافت و ناهنجار نقش شده‌اند، چنان که نشان از صفت بومی یا غیر حرفه‌ای دارند. بسیاری از شکل‌ها جامه‌مادی پوشیده‌اند یعنی کلاهی با لبه‌های آویخته روی گوش و محافظ گردن، شلوار و یک پیراهن آستین‌بلند دارای کمربند. گاه این جامه همراه با یک شمشیر کوتاه است و چند نفر بالاپوش دارای آستین بلند پوشیده‌اند. چندتن برسَم (دسته چوب‌ها) را حمل می‌کنند که موجب ابراز این نظریه شده است که آن‌ها و شاید بقیه که جامه‌مادی دارند، کاهن می‌باشند. البته این حقیقت که افراد جامه‌مادی پوشیده‌اند، به این معنی نیست که صفحه‌ها مربوط به دوره ماد یا ماقبل هخامنشی می‌باشند، زیرا می‌دانیم که جامه‌مادی در دوره هخامنشی و بعد وسیعاً متداول بود و منحصر به مادی‌ها نبود. حقیقتاً منظور از این صفحه‌ها را نمی‌دانیم، اما یک احتمال این است که آن‌ها ممکن است صفحه‌های نذری در نظر گرفته شده برای یک معبد یا یک زیارتگاه باشند.

یکی از مهم‌ترین قطعات گنجینه، یک ازابه به صورت کوچک است که با چهار اسب یا

یابوی تاتو کشیده می‌شود. در ارابه یک ارابهران و یک مسافر نشسته، قرار دارند که باز هر دو جامهٔ مادی پوشیده‌اند، چنان که دو مجسمهٔ کوچک طلای جدا ایستاده دارای جامهٔ مادی‌اند. مجسمهٔ بسیار بزرگتر دیگر نقره‌ای، مربوط به یک جوان برهنه است؛ او کلاه‌ی ایرانی بر سر دارد، اما برهنگی او نشان‌دهندهٔ تأثیر یونان است. یک سر بزرگ طلای یک پسر، بدون کلاه است، اما تأثیر یونان در آن وضوح کمتری دارد و آن ممکن است محصولی محلی باشد. ظروف گنجینه عبارتند از یک جام طلای نیم‌کره‌ای؛ یک کاسهٔ نقره با گل آرایشی در مرکز و گلبرگ‌های منشعب شده؛ یک کوزهٔ طلا با دسته‌ای که در انتهای آن یک سر شیر قرار دارد؛ یک کاسهٔ طلای دارای فرورفتگی میانی با یک باریکهٔ افقی دارای طرح‌هایی از شیرهای برجسته شده در زیر؛ و یک دستهٔ نقرهٔ ظرف که به شکل یک بز کوهی در حال جهش قالب‌ریزی شده است. همچنین صفحه‌های طلای مدوری وجود دارند که شاید پوشش زیورها بوده‌اند؛ چند مهر استوانه‌ای؛ و تعدادی انگشتر خاتم با طرح‌های حکاکی شده روی نگین.

به‌علاوه در حدود ۱۵۰۰ سکه از ابتدا با گنجینه همراه بودند. آن‌ها همانند اشیاء، در راولپندی خریداری شدند و گفته شد که مربوط به گنجینه‌اند. بعضی دانشمندان به پذیرش سکه‌ها به‌عنوان یک جزء مکمل ذخیره بی‌میل بوده‌اند، اما هنگامی که گفته شده است که همهٔ اجزاء، همراه هم یافت شده‌اند، رد کردن سکه‌ها و پذیرفتن اشیاء به‌عنوان یک مجموعهٔ واحد، غیر منطقی است. بعضی از سکه‌ها را کانسنگ‌ها به‌دست آورد، بعضی را ا. گرانر سر مهندس و مدیر راه‌آهن هند خریداری کرد، و بقیه بدون ترتیب پراکنده شدند. در حال حاضر بزرگترین مجموعه در موزهٔ بریتانیا قرار دارد و تعداد کمتری در موزهٔ دولتی ارمیتاژ در سن‌پترزبورگ موجودند.

بسیاری از اشیاء گنجینهٔ جیحون نمایانگر آنچه که سبک درباری هخامنشی است می‌باشند که یک سبک رسمی یافت شده در سراسر شاهنشاهی بوده و مشخصهٔ دورهٔ هخامنشی به‌شمار رفته است. اما عناصر دیگری نیز وجود دارند. گونه‌ای تأثیر یونانی قبلاً ذکر شده است، و چند محصول محلی را می‌توان برگزید، از جمله یک مجسمهٔ کوچک مردی ملبس به یک کلاه و جامهٔ چین‌دار که ظاهراً همتاهای انواع مشخص لباس ایرانی می‌باشند.

گنجینهٔ جیحون دقیقاً چه بود؟ به‌بیشترین احتمال، آن، ذخیره‌ای از اشیاء دارای ارزش مادی

بود. در خاورمیانه باستان، سستی طولانی از کاربرد فلز گرانبها، طلا و به خصوص نقره، به هدف مبادله وجود داشته است. فلز، دارای قدرت خریدی معادل با وزن آن بود و کاربرد آن به عنوان پول حتی پس از معمول شدن سکه ادامه یافت. مدارکی از این عمل، به تاریخ نیمه نخست قرن پنجم ق. م در تخت جمشید وجود دارد، که در آن‌ها پرداخت‌ها به مقادیر نقره بیان شده‌اند. ویژگی گنجینه جیحون، بخشی عبارت است از مجموعه‌ای از اشیاء طلایی و نقره‌ای که برخی از آن‌ها ناقص شده‌اند، و بخشی عبارت است از شماری از سکه‌ها که با تعیین گنجینه به عنوان یک ذخیره منطبق است. دیگر ذخیره‌های تقریباً همزمان عبارتند از ذخیره نقره مربوط به نوشی‌جان و ذخیره چمان حضوری از کابل، شامل سکه‌های نقره شمش‌خیمیده و مصنوعات یک شکل یونانی و هخامنشی که احتمالاً در اواسط قرن چهارم ق. م دفن شدند.

با قبول این که گنجینه جیحون در حقیقت یک ذخیره بود، آن در چه زمانی دفن شد؟ در اینجا مدارک سکه شناختی فاقد ارزش‌اند. تاریخ سکه‌ها از اوایل قرن پنجم تا اوایل قرن دوم ق. م را در بر گرفته است و آن‌ها شامل سکه‌های یونانی قاره‌ای، هخامنشی و هلنی می‌باشند. زیمال ابراز عقیده کرده است که متأخرترین سکه‌ها دارای خصوصیتی متفاوت با بقیه می‌باشند و احتمالاً در راولپندی اضافه شده‌اند. او معتقد است که متأخرترین سکه‌هایی که قطعاً مربوط به گنجینه‌اند، از زمان سلطنت اوتیدموس اول شاه باختر (حدود ۲۳۵ - ۲۰۰ ق. م) می‌باشند. بنابراین، این امر می‌تواند دلالت کند بر این که گنجینه جیحون مقارن پایان قرن سوم ق. م دفن شد، اما هنوز نمی‌دانیم که چه کسی آن را پنهان کرد یا چرا، یا آن در ابتدا تحت چه شرایطی گردآوری شد.